

رژیم حقوقی خاص اتحادیه اروپا: ویژگی‌ها و آثار^۱

عبدالله عابدینی*

چکیده

با ظهور رژیم حقوقی اتحادیه اروپا در دهه پنجاه میلادی و پیشرفت‌های روزافزون این نهاد منطقه‌ای در عرصه بین‌المللی، برخی صاحب‌نظران در این اندیشه‌اند که آیا ویژگی‌های منحصر به فرد این سازمان بین‌الدولی قابل انتقال به عرصه نظم حقوقی بین‌الملل است؟ در گستره حقوق بین‌الملل که با ویژگی‌هایی چون رضایت و فقدان سلسله‌مراتب میان تابعان و منابع حقوقی شناخته می‌شود، وجود خرده‌نظامی چون اتحادیه اروپا که منبعت از ویژگی‌های ذاتی حقوق بین‌الملل است، در نوع خود بدیع است. گاهی چنین ادعا شده است که وجود رژیم‌های خودبسنده و خاصی چون اتحادیه اروپا، سازمان جهانی تجارت و رژیم‌های حقوقی حاکم بر معاهدات حقوق بشری نمونه‌ای از حرکت حقوق بین‌الملل به سوی چندپارگی و از دست رفتن انسجام و وحدت نظم حقوقی بین‌المللی است. ضمن اینکه این گسترش و تنوع در اداره نظم‌های حقوقی به تعبیری موجب زاینده‌گی و پیشرفت حقوق بین‌الملل خواهد شد و وحدت نظم حقوقی بین‌الملل را در عین کثرت موازین حاکم بر رژیم‌های خاص تضمین می‌کند. از این رو، در نوشتار حاضر با تمرکز بر بررسی ویژگی‌های رژیم خاص حقوقی اتحادیه اروپا در گستره حقوق بین‌الملل عام به دنبال این هستیم که آثار احتمالی خاص بودن این نظم حقوقی در عرصه حقوق بین‌الملل را تعیین کنیم.

کلیدواژگان

اتحادیه اروپا، حقوق بین‌الملل عام، دیوان اروپایی دادگستری، رژیم خاص، نظم حقوقی.

۱. نوشتار حاضر را به استاد فرهیخته و ارجمندم، دکتر امیرحسین رنجبریان تقدیم می‌کنم.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: s_abedini_a@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۸

مقدمه

حقوق بین‌الملل به منزله نظام حقوقی حاکم بر روابط بین‌المللی از نظمی منحصر به فرد برخوردار است. نظم حقوقی حاکم بر نظام بین‌المللی ویژگی‌هایی چون احترام به اصل رضایت دولت‌ها، حاکمیت برابر میان آن‌ها، عدم تهدید یا توسل به زور و احترام به موازین حقوق بشر را در هسته سخت خود به رسمیت شناخته است و سایر هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل را بر مبنای اصول مزبور سامان‌دهی می‌کند، زیرا در جایگاه سلسله‌مراتب نانوشته حقوق بین‌الملل، هنجارهای مزبور باید به درجه‌ای از الزام رسیده باشند که شالوده و اساس روابط بین‌المللی را تشکیل دهند (قواعد آمره)^۱ و بر همین مبنای، در صورتی که قواعد، اصول و هنجارهای دیگری در تقابل یا تعارض با این اصول بنیادین قرار گیرند، از درجه اعتبار ساقط خواهند شد و گاهی نیز به جامعه بین‌المللی اجازه استناد به نقض‌های صورت‌گرفته از قواعد آمره مزبور را می‌دهند (تعهدات عام‌الشمول)^۲. از طرف دیگر، دولت‌ها بر مبنای رضایت^۳ به منزله عامل اساسی حیات نظم حقوقی بین‌المللی، گاه خود را به اصول و ترتیباتی مقید می‌کنند که ممکن است در تقابل با قواعد عام حقوق بین‌الملل قرار گیرد. در واقع، ممکن است دسته‌ای از دولت‌ها به تأسیس نهاد، سازمان یا ترتیبات دیگری اقدام کنند که بر مبنای اصل آزادی اراده بخواهند نظم حقوقی حاکم بر آن را خارج از چارچوب و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل عام^۴ قرار دهند.

چنین تصویری در خصوص اتحادیه اروپا^۵ به منزله سازمانی منطقه‌ای مطرح است. چنین اندیشه‌ای در چندین نوبت از سوی دیوان دادگستری اروپایی ارزیابی و تأیید شده است. از سوی دیگر، این موضوع نیز مطرح می‌شود که نحوه اجرا، تفسیر یا در صورت نقض قاعده، حل و فصل میان تعهدات حقوق بین‌الملل عام در چارچوب نظم حقوقی بین‌المللی و تعهدات موجود در اتحادیه اروپا به منزله حقوق بین‌الملل خاص (رژیم خاص)^۶ چگونه خواهد بود. آنچه مسلم است اینکه تمام خرده‌نظام‌های حقوقی^۷ موجود در حقوق بین‌الملل از بطن آن سر برآورده‌اند و در نهایت، درون آن اجرا می‌شوند. نوشتار حاضر ویژگی‌های رژیم خاص اتحادیه اروپا و آثار ناشی از آن را بررسی می‌کند.

در این خصوص، در آغاز از چشم‌انداز حقوق اتحادیه به حقوق بین‌الملل و از منظر حقوق بین‌الملل به سیستم حقوقی اتحادیه می‌نگریم و در پایان، برآمد بحث در چارچوب مناسبات ممکن و جاری میان حقوق اتحادیه اروپا به منزله خرده‌نظامی در گستره حقوق بین‌الملل ارائه خواهد شد.

1. Jus cogens.
2. Erga omnes.
3. Consent.
4. General International Law.
5. European Union.
6. Special Regime.
7. Legal Sub-system.

ویژگی‌های رژیم حقوقی اتحادیه

در این بخش نظم حقوقی اتحادیه را در قیاس با نظم حقوقی بین‌المللی با تأکید خاص بر دکرترین و رویه قضایی ذی‌ربط بررسی خواهیم کرد.

۱. نظم حقوقی اتحادیه در مقایسه با نظم حقوقی بین‌المللی

پاسکال لمی مدیرکل وقت سازمان جهانی تجارت، بر این نظر است که «نظام حقوقی بین‌المللی امروزی، شبیه به حالات سه‌گانه مواد است. شکل گاز در نظم و ستفالیایی با همزیستی مشترک ذره‌ها بدون هیچ‌گونه تمایز سلسله‌مراتبی متجلی شده است. حالت جامد که در حقوق اتحادیه اروپا به‌منزله سازمان یکپارچه بین‌المللی متصور است و حالت ما بین این دو، یعنی حالت مایع نیز از آن سازمان جهانی تجارت است که در اساس نه کاملاً دارای نظم افقی است و نه عمودی» (Lamy, 2006: 970).

با توجه به تاریخچه کوتاه و نگاهی گذرا به نهادهای حاکم بر اتحادیه می‌توان چنین گفت که نظم حقوقی حاکم بر اتحادیه اروپا از انسجام بیشتری در قیاس با نظم حقوقی بین‌المللی برخوردار است، زیرا نهاد مزبور توانسته است با ایجاد مقررات و سازوکارهای بسیار کارآمد و مبتنی بر نیازهای آن، عنصر همکاری را در میان اعضای خود تأمین و به سوی یکپارچگی در معنای یک دولت فدرال حرکت کند. اتحادیه اروپا در عمر چند دهه‌ای خود نمونه موفق از سازمان منطقه‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید که با مقررات منسجم و از آن مهم‌تر، سازوکارهای تفکیک‌شده و کارآمد خود همچون دیوان اروپایی دادگستری و شورای اتحادیه به اجرای حقوق حاکم بر آن اقدام و به این وسیله انسجام و وحدت را در چارچوب نهادی منطقه‌ای تقویت و تحکیم می‌کند. به ویژگی منحصر به فرد اتحادیه می‌توان در عواملی چون تفکیک قوا و انسجام در اجرای مقررات حاکم بر اتحادیه توجه کرد. برخلاف ویژگی نظم حقوقی بین‌المللی که فاقد اقتدارات عالی در معنای وجود قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضایی است، اتحادیه اروپا در معنایی نزدیک به نظم‌های حقوقی داخلی از چنین موهبتی برخوردار و این موضوع فی‌نفسه در اجرای مقررات و حقوق حاکم بر اتحادیه به نحو مطلوبی کارآمد و مؤثر است.

با این حال، اتحادیه با گذر زمان در صدد بهبود وضعیت اجرایی مقررات حاکم است. نتیجه طبیعی وجود سلسله‌مراتب در نهادهای اتحادیه، سلسله‌مراتب در منابع این نهاد را نیز پیش می‌کشد. چنان‌که مقررات مبنایی چون معاهده مؤسس، منشور حقوق بنیادین و مقررات موسوم به معاهدات مبنایی اتحادیه در اولویت اجرایی مقررات و قواعد جاری در اتحادیه از یک‌سو و

مقررات اتحادیه و دستورالعمل‌های آن بر مقررات دولت‌های عضو قرار دارند.^۱ از سوی دیگر، نظم حقوقی اتحادیه عمده همت خود را بر مبانی حقوق بشری و آزادی‌های بنیادینی چون جابه‌جایی افراد، کالا و خدمات قرار داده است؛ موضوعی که در نظم حقوقی بین‌المللی بیشتر بر محور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی استوار و ارزش‌های حقوق بشری نیز در کنار آن قرار گرفته است. به‌واقع، نظام حقوقی اتحادیه اروپا در فرایندی پویا و حرکت از مبادی اولیه خود که همان حفظ صلح در چهره برقراری روابط اقتصادی بود (Wessel, 2009: 117-142) به سوی ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر قانون اساسی سیر می‌کند تا انسجام نظم‌های داخلی را در چارچوب نهادی منطقه‌ای سامان دهد. به عبارت دیگر، هدف اتحادیه که در زمینه کم‌رنگی از حفظ صلح قرار دارد، گذار از این مفهوم به سوی ارتقای سطح زندگی در قالب رفاه اقتصادی براساس مؤلفه‌های حقوق بشر و دموکراسی است (کخدایی، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

اما پرسش اصلی اینجاست که دیدگاه دکتین و رویه قضایی در خصوص نظم حقوقی حاکم بر اتحادیه و افت‌وخیزهای آن طی سالیان مختلف چگونه بوده است؟ این موضوعی است که در ادامه این مبحث به ویژگی‌های حاکم بر نظم حقوقی اتحادیه از منظر دکتین و رویه قضایی می‌پردازیم.

دیدگاه دکتین

از دیدگاه دکتین، نظم حقوقی حاکم بر اتحادیه اروپا از دو وجه داخلی و خارجی قابل بررسی است. بدین‌بیان که نظم حقوقی اتحادیه از منظر حقوق حاکم بر آن و به عبارت بهتر، از دریچه حقوق اتحادیه به چشم‌انداز نظم حقوقی بین‌المللی چگونه است؟ و از سوی دیگر، نظم حقوقی اتحادیه از چشم‌انداز بیرونی، یعنی از منظر نظم حقوقی بین‌المللی چگونه خواهد بود؟ از این منظر ممکن است میان دکتین تفاوت‌هایی مشاهده شود که به نتایج تئوریک و گاه عملکردی متفاوتی منجر خواهد شد.

۱. چشم‌انداز حقوق بین‌الملل از منظر اتحادیه اروپا

عده‌ای از حقوق‌دانان بر این باورند که اتحادیه اروپا درون نظم حقوقی بین‌المللی، بر مبنای یک معاهده در مقام سند مؤسس، زاده شده و با بهره‌گیری از عناصر حقوقی موجود در نظم حقوقی بین‌المللی یا به عرصه وجود گذاشته است، اما در مسیر تکوین و تکامل تدریجی خود، به مرتبه‌ای از انسجام و یکپارچگی می‌رسد که دیگر به معیارهای حاکم بر حقوق بین‌الملل از

1. Regulations, Directives, Decisions, Opinions and Recommendations, for more, See, at: http://europa.eu/legislation_summaries/institutional_affairs/decisionmaking_process/114534_en.htm.

جمله مسئله مسئولیت بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی نیازی نخواهد داشت، زیرا در این باره قواعد سازمان براساس اصل کلی حقوقی «تقدم قانون خاص بر قانون عام»^۱ از اولویت اجرایی برخوردار خواهند بود.

در واقع، در این حالت اتحادیه از ویژگی «منحصربه‌فرد بودن»^۲ برخوردار است که دیگر به منابع شکلی حقوق بین‌الملل عام اعتنایی ندارد و عمده تکیه خود را بر ماهیت و قواعد ماهوی خویش قرار می‌دهد، زیرا با ایجاد جامعه اروپایی ایده‌ای که در بطن تشکیل چنین نهادی وجود داشته است این بود که دولت‌ها به شکل یک‌جانبه اقداماتی را در خصوص نقض مقررات به عمل نیاورند و انجام این اقدامات زیر نظر نهادهای اتحادیه قرار داشته باشد. به همین دلیل است که صلاحیت دیوان اروپایی دادگستری برای رسیدگی به اختلافات ناشی از حقوق حاکم بر اتحادیه در میان اعضا به صورت اجباری بوده است.^۳ ضمن اینکه دیوان اروپایی مقرر کرده است که دولت‌های عضو اتحادیه در صورت نقض مقررات اتحادیه، حق توسل به انجام عمل متقابل^۴ را ندارند (Simma & Pulkowski, 2006: 518-519).

این دسته از حقوق‌دانان عمدتاً حقوق‌دانان خود اتحادیه اروپا هستند که ایده‌هایی چون خودبسندگی یا خاص بودن حقوق حاکم بر اتحادیه را مطرح می‌کنند (Ziegler, 2011: 269-270).

این دسته از حقوق‌دانان برای تقویت استدلال خود به آرای دیوان اروپایی دادگستری استناد می‌کنند. برای نمونه در این باره، دیوان اروپایی دادگستری در رأی اخیر خود در خصوص یافته مشهور کادی، در خصوص احراز و اعمال صلاحیت خویش بر پرونده مزبور اظهار می‌دارد که دستورالعمل تحریم و در لیست قرارگرفتن فرد و مؤسسه موردنظر در لیست تحریم‌های اتحادیه منبعت از قطعنامه مربوطه شورای امنیت است، اما این مسئله کاملاً به حقوق حاکم بر اتحادیه مربوط می‌شود و اقدامی نیست که به یکی از ارگان‌های ملل متحد منتسب شود یا عملی که به دلیل ارتباط با ملل متحد، در چارچوب صلاحیتی این نهاد قرار گیرد. دیوان اروپایی دادگستری به‌منزله نهادی که در جامعه مبتنی بر قانون پایه‌گذاری شده است موظف است به بررسی انطباق اقدامات اتخاذشده از سوی نهادهای اتحادیه با سند مؤسس جامعه پردازد و این وظیفه دیوان در این مسیر «به‌عنوان یک نظام حقوقی مستقل»^۵ به‌واسطه توافقی بین‌المللی خدشه‌دار نخواهد شد. به همین جهت، بررسی مشروعیت اقدام انجام‌شده از سوی

1. Lex specialis derogate legi generali

2. Sui generis.

۳. قسمت اخیر بندهای اول و سوم ماده ۱۹ معاهده اتحادیه اروپا و مواد ۲۵۹ و ۲۶۰ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا (Treaty on the Functioning of the European Union) به موضوع اجباری بودن صلاحیت دیوان و لازم‌الاتباع بودن آرا و تصمیمات توافقی آن برای اعضای اتحادیه اختصاص دارد.

4. Reciprocity.

1. as an autonomous legal system.

نهادهای اتحادیه «در چارچوب نظم حقوقی مستقل داخلی جامعه»^۱ بر عهده دیوان خواهد بود (Kadi & Al Barakaat, 2008: paras. 314-317).

یکی از حقوق دانان در تحلیلی بر این باور است که حقوق بشر هیچ‌گاه نباید خدشه‌دار شود و اگر در این مسیر، دیوان اروپایی دادگستری گامی را برخلاف حقوق بین‌الملل عام برمی‌دارد، می‌توان آن را اقدامی مثبت و در جهت حفظ حقوق بشر افراد و مؤسسات زیان‌دیده قلمداد کرد، اما با این حال، طبق نظر وی اتحادیه و دیوان آن باید در چارچوب مقررات بین‌المللی حرکت کنند (Tomuschat, 2009: 660-663).

۲. چشم‌انداز اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین‌الملل

دسته دیگری از حقوق دانان بر این باورند که اگر حقوق اتحادیه اروپا را از منظر حقوق بین‌الملل عام ارزیابی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اتحادیه اروپا در مقام سازمان منطقه‌ای که بر مبنای مقررات حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق معاهدات به وجود آمده و بر مبنای حقوق حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی در حال فعالیت است، حتی در صورت تعبیه سازوکارهای تعیین و مقابله با نقض نیز نمی‌تواند از قواعد و اصول جاری در حقوق بین‌الملل عام فاصله بگیرد یا به طور کلی از آن منفک شود. زیرا در نهایت، اگر تمام سازوکارهای حقوقی موجود در اتحادیه طی شود و به نتیجه‌ای منجر نشود و دولت ناقض تصمیم به تداوم نقض خود گرفته باشد، حقوق بین‌الملل عام ابزارهای موجود خود از جمله اقدامات متقابل را در اختیار دولت زیان‌دیده قرار می‌دهد تا از این طریق چارچوب حقوقی بر روابط طرفین حکمفرما باشد و تهدید یا توسل به زور در دستور کار دولت زیان‌دیده برای جبران خسارات خود قرار نگیرد، زیرا حقوق بین‌الملل اجازه اتخاذ اقدامات قهری را جز در چارچوب‌های تعیین‌شده خویش از جمله ماده ۵۱ و سیستم دفاع امنیت دسته‌جمعی به دولت یا دولت‌های زیان‌دیده نمی‌دهد، حتی اگر مقررۀ نقض‌شده در چارچوب نهادی خودبسنده همچون اتحادیه اروپا باشد.

ضمن اینکه در مواقعی که حقوق به اندازه کافی در اتحادیه قوام‌یافته نباشد یا به طور کلی نقص و اجمالی در این خصوص در روند رسیدگی دیوان اروپایی دادگستری در قبال پرونده‌های مطروحه مشاهده شود، دیوان مزبور از قواعد و اصول موجود در حقوق بین‌الملل عام استفاده کرده است. در این خصوص برخی حقوق دانان بر این باورند که به طور کلی، هر محکمه بین‌المللی می‌تواند حقوق بین‌الملل را به‌منزله «منبع اضافی حقوق»^۲ در چارچوب حقوق قابل اعمال خود به معرض اجرا یا تفسیر درآورد (Shermers, 1980: 169-178). دیوان اروپایی دادگستری در رأی در ۴ دسامبر ۱۹۷۴ در برابر این پرسش که آیا ممنوعیت تبعیض براساس

2. in the context of the internal and autonomous legal order of the Community.
1. Additional Source of Law.

تابعیت در خصوص پذیرش فرد در سرزمین دولت عضو قابل کنارگذاشتن است یا خیر؟ اعلام کرد که این اصل یکی از اصول حقوق بین‌الملل است، چنانکه معاهده جامعه نمی‌تواند آن را در رابطه میان دولت‌های عضو نادیده بگیرد و آن اینکه دولت می‌تواند در اعمال حق ورود و اقامت، در خصوص تبعیض در واردنشدن یا اقامت براساس تابعیت فرد ملاحظاتی را اعمال کند (Yvonne van Duyn v Home Office, 1974: para. 22).

ضمن اینکه وی بر این نظر است؛ همین که محاکم دولت‌های عضو قادر به درخواست نظر تفسیری از دیوان اروپایی هستند، خود نشانگر تفسیر معاهده‌ای بین‌المللی از سوی دادگاه به شمار می‌آید که در آن باید علاوه بر ملزومات موردنظر نگارندگان معاهده مزبور از جمله موضوع و هدف این سند، قواعد عام مربوط به تفسیر معاهدات در حقوق بین‌الملل عام نیز مدنظر مرجع تفسیرکننده قرار گیرد (Shermers, op. cit: 176).

دیدگاه رویه قضایی

رویه قضایی اتحادیه در قالب رویه دیوان اروپایی دادگستری متجلی شده است. به‌واقع، دیوان اروپایی از همان سال‌های آغازین فعالیت خود در دهه شصت میلادی، با تفسیر مترقیانه و پیشرو از حقوق حاکم بر اتحادیه موجب حفظ وحدت در نظام اتحادیه شد و توانست مفاهیم جدیدی را به مجموعه حقوق حاکم بر اتحادیه معرفی کند.^۱ از جمله این مفاهیم می‌توان به «اصل برتری»^۲ حقوق اتحادیه بر حقوق دولت‌های عضو، «اصل اثرگذاری مستقیم»^۳ حقوق اتحادیه، همچنین «اصل جایگزین بودن»^۴ حقوق اتحادیه (در صورت ناکافی بودن حقوق

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۰). «نگرشی به ساختار دیوان دادگستری اروپایی و نقش آن در روند همبستگی اتحادیه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۱.

3. Supremacy Principle.

4. Direct effect Principle.

5. Subsidiarity Principle.

برخی نیز با توجه به مفهوم این اصل، آن را ضرورت عمل مؤثر ترجمه کرده‌اند. ر.ک: کدخدایی، پیشین، ۹۹. در طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به این اصطلاح اشاراتی شده است. ماده ۴۸ با عنوان «مسئولیت یک سازمان بین‌المللی و یک یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی» اشعار می‌دارد: ۱. هنگامی که یک سازمان بین‌المللی و یک یا چند دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر در قبال عمل متخلفانه واحد مسئول باشند، می‌توان در خصوص عمل مزبور به طور جداگانه به مسئولیت هریک از آن دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی استناد کرد؛ ۲. در مواقعی می‌توان به مسئولیت فرعی (ثانویه) (Subsidiary responsibility) استناد کرد که مسئولیت اولیه به جبران خسارت منجر نشود. ماده ۶۲ نیز با عنوان «مسئولیت یک سازمان دولت عضو یک سازمان بین‌المللی در قبال عمل متخلفانه آن سازمان» اشعار می‌دارد: ۱. دولت عضو سازمان بین‌المللی در صورتی در قبال عمل متخلفانه سازمان بین‌المللی مسئول خواهد بود که:

دولت‌های عضو) در کنار حقوق دولت‌های عضو اشاره کرد (Chalmers & Tomkins, op. cit: 47-50; Tillotson & Foster, 2003: 79-85).

۱. استقلال نظم حقوقی اتحادیه از منظر ساختاری

مکس سورنسن براساس رویه قضایی دیوان اروپایی دادگستری، برای اولین بار صحبت از «نظم‌های حقوقی خودمختار و مستقل» به میان آورده است. وی بر این باور است که از منظر سیستماتیک، یک سیستم جهان‌شمول از حقوق بین‌الملل وجود دارد که گاهی اوقات استحکام ویژگی‌های حقوق خاص آن مورد تردید قرار می‌گیرد،^۱ اما همان‌طور که دیوان اروپایی دادگستری در فوریه ۱۹۶۳ و جولای ۱۹۶۴ در دو رأی خود بدان اشاره کرد، سازمان‌های بین‌المللی موجود یک نظام را می‌توان در قالب خرده‌نظام‌های خودمختار و مستقل شناسایی کرد. در واقع دیوان بر این باور است که گروهی از دول می‌توانند نظم حقوقی مستقلی را به‌وسیله معاهده‌ای بین‌المللی ایجاد کنند (Sorensen, 1983: 559-563).

دیدگاه رویه قضایی در خصوص ویژگی منحصر به فرد نظم حقوقی اتحادیه از آغاز کاملاً مشخص بوده است. در آغازین پرونده‌های تحت بررسی، در ۵ فوریه ۱۹۶۳ دیوان در یکی از آرای خود اعلام می‌کند که «جامعه اقتصادی اروپا، نظم نوین اقتصادی را در حقوق بین‌الملل در انداخته است»^۲ که الزامات ناشی از آن، نه تنها برای دولت‌های عضو که حتی برای اتباع آن‌ها

الف) مسئولیت آن عمل را در برابر طرف زیان‌دیده پذیرفته باشد؛ یا ب) طرف زیان‌دیده را به استناد به مسئولیت خود رهنمون شده باشد و ۲. هر نوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از بند ۱ یک دولت در وهله اول یک مسئولیت فرعی (subsidiary) است. ر.ک:

Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, with commentaries, in, Report of the International Law Commission, 2011: Articles, 48, 62.

۱. برونو سیمما جهان‌شمولی حقوق بین‌الملل را در ۳ سطح قابل مشاهده می‌داند: در سطح نخست، جهان‌شمولی حقوق بین‌الملل به معنای حضور حقوق بین‌الملل در مقیاس جهانی است که دارای اعتبار و برای همه دولت‌ها الزام‌آور است. در سطح دوم، جهان‌شمولی حقوق بین‌الملل پاسخ‌بدین سؤال است که آیا می‌توان حقوق بین‌الملل را به‌منزله یک نظم حقوقی سازمان‌یافته کلی منسجم ترسیم کرد یا برعکس مجموعه‌ای تصادفی از هنجارها یا شبکه‌های هنجاری است که ارتباط متقابل بسیار اندکی میان آن‌ها برقرار است؟ در واقع در اینجا مسئله وحدت و انسجام حقوق بین‌الملل مطرح است. در سطح سوم، جهان‌شمولی حقوق بین‌الملل را می‌توان با اشاره به ماهیت نظام حقوق بین‌الملل به شکل اندیشه حقوقی بین‌المللی موسوم به «جهان‌شمول‌گرایی» (Universalism) بررسی کرد. این رهیافت یونیورسالیستی بر این باور است که امکان، مطلوبیت و در واقع ضرورتی حتمی در ایجاد نظم عمومی در مقیاس جهانی وجود دارد. به عبارت دیگر، نظم عمومی مشترک برای تمام بشریت به طور کلی.

Bruno Simma, *Universality of International Law from the Perspective of a Practitioner*, *European Journal of International Law*, Vol. 20, 2009, 267-268.

1. "the European economic community constitutes a new legal order of international law for the benefit of which the states have limited their sovereign rights, albeit within limited fields, and the subjects of

Van Gend & Loos v Netherlands Inland Revenue Administration,) نیز لازم الاجراست (1963: para. 3).

دیوان همچنین در ۱۵ جولای ۱۹۶۴ اعلام کرد که برخلاف معاهدات عادی بین‌المللی، «معاهده جامعه اروپایی نظام حقوقی خاص خود را ایجاد کرده است»^۱ که با لازم الاجرا شدن آن، به بخش یکپارچه‌ای از نظام‌های حقوقی دولت‌های عضو تبدیل شده است و محاکم آن‌ها ملتزم به رعایت آن هستند (Flaminio Costa v E.N.E.L, 1964).

همان‌گونه که در سطور پیشین نیز بدان اشاره شد، دیوان در قضیه‌ای در ۲۳ آوریل ۱۹۸۶، جامعه اروپایی را جامعه‌ای مبتنی بر حاکمیت قانون معرفی کرده و بر این باور است که تمام اعمال و مصوبات دولت‌های عضو و نهادهای جامعه براساس مطابقت با موازین حقوقی حاکم بر اتحادیه، تحت بررسی قرار خواهند گرفت و در این خصوص، دیوان ویژگی معاهده مؤسس جامعه را «منشور مبنایی و بنیادین»^۲ جامعه تلقی می‌کند که اقدامات صورت گرفته باید در این چارچوب ارزیابی شوند (Les Verts v. Parliament, 1986: para. 23). چنین نکته‌ای نشان از توجه نهاد قضایی مزبور به ویژگی منحصر به فرد نظم حقوقی جامعه اروپایی دارد. این توصیف در آرای دیگر دیوان تا سال‌های اخیر نیز مشاهده می‌شود.

در نظریه مشورتی معروف دیوان در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۱ چنین گفته شده است که «معاهده جامعه اروپا نظم حقوقی نوینی را برای تأمین منفعت دولت‌هایی ایجاد کرده که حقوق حاکمیتی خود را محدود کرده‌اند و موضوع این معاهدات نه تنها شامل دولت‌های عضو که دربرگیرنده اتباع آن‌ها نیز می‌شود. ویژگی اساسی نظم حقوقی جامعه این است که به طور مشخص بر قوانین دولت‌های عضو برتری داشته و یکسری از مقررات آن اثر مستقیمی بر قوانین آن‌ها دارد»^۳ (Opinion 1/91, 1991: para. 1).

چنین دیدگاهی در رأی ۲۳ مارس ۱۹۹۳ (Case C-314/91, 1993: para. 8) و رأی مشهور کادی در سال ۲۰۰۸ نیز تکرار شده است (Kadi & Al Barakaat v Council of the) (European Union [Opinion of Advocate General Maduro], 2008: para. 21).

۲. استقلال نظم حقوقی اتحادیه از منظر اعمال صلاحیت دیوان

which comprise not only the member states but also their nationals".
2. The EEC treaty has created its own legal system.
3. basic constitutional charter.
4. "The Community treaties established a new legal order for the benefit of which the States have limited their sovereign rights and the subjects of which comprise not only Member States but also their nationals. The essential characteristics of the Community legal order which has thus been established are in particular its primacy over the law of the Member States and the direct effect of a whole series of provisions".

نوع دیگری از انحصاری بودن حقوق حاکم بر اتحادیه اروپا میحث «صلاحیت»^۱ است که پیشتر در خصوص رأی کادی در سطور پیشین بیان و در ادامه نیز شرحی از این پرونده ذکر خواهد شد.

«به طور کلی، صلاحیت به حوزه‌ای از اختیارات یک مرجع گفته می‌شود که براساس آن دامنه عمل یک رکن یا مرجع مشخص می‌شود که در خصوص مراجع قضایی به همراه مفهوم اجرای عدالت خواهد بود» (میرعباسی و سادات‌میدانی، ۱۳۸۵: ۳۱۲). براساس یک اصل کلی حقوقی، هر محکمه‌ای صلاحیت تعیین صلاحیت رسیدگی^۲ در خصوص موضوع مطروحه در پیشگاه خود را داراست. این موضوع در رویه قضایی بین‌المللی تأیید شده است (Appeal I.C.J. Reports (Relating to the Jurisdiction of the ICAO Council (India v. Pakistan 1972: 52, para. 13; United States-Anti Damping of Act 1916, WT/DS136/AB/R, 2000, footnote 30; Accordance with International Law of Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, 2010: para. 19; Germany v. Italy: Greece Intervening, 2012:) Jurisdictional Immunities of the State (para. 40).

در همین خصوص، پرونده مشهور در دیوان اروپایی دادگستری پرونده‌ای موسوم به MOX مطرح بود. در این خصوص، دیوان اروپایی دادگستری پس از اقدام ایرلند برای اقامه دعوا علیه بریتانیا در خصوص پرونده MOX در پیشگاه دادگاه داوری تشکیل شده ذیل کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲، (Commission of the European Communities. v. Ireland, 2006) اعلام کرد که مسائل مربوط به محیط‌زیست دریایی از جمله مواردی است که از سوی دولت‌های عضو به اتحادیه واگذار شده است.^۳ در نتیجه، نه تنها اقدام ایرلند در خصوص ارجاع موضوع به دادگاه داوری نقض مقرر ۲۹۲ معاهده اتحادیه است،^۴ بلکه موجب به خطر افتادن استقلال نظام حقوقی جامعه^۵ نیز شده است (Ibid: paras. 153-155).

پرونده مشهور بعدی که جنجال‌های بسیاری را در عرصه حمایت از حقوق بشر در اتحادیه و

1. Jurisdiction.

2. Competence-Competence.

۳. در خصوص توزیع این صلاحیت‌ها و مبانی و آثار آن ر.ک: کدخدایی، پیشین، ۱۳۸ و همچنین:

Consolidated Version of the Treaty on the Functioning of the European Union, Official Journal of the European Union, C 83/47, 30.3.2010, Articles, 3,4,6.

http://europa.eu/legislation_summaries/institutional_affairs/treaties/lisbon_treaty/ai0020_en.htm.

also; Gerard Conway, Conflicts of Competence Norms in EU Law and the Legal Reasoning of the ECJ, German Law Journal, Vol. 11, No. 9, 2010, 966-1005.

۴. ماده ۲۹۲ معاهده مؤسس جامعه اروپا اشعار می‌دارد که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا متعهد می‌شوند که اختلاف مربوط به اجرا یا تفسیر معاهده حاضر را به هیچ شیوه حل‌وفصل اختلافی خارج از چارچوب پیش‌بینی شده در سند حاضر ارجاع نکنند.

1. autonomy of the Community legal system.

بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت برانگیخت، پرونده موسوم به *Al Barakaatkadi* and است که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ در دو مرحله در دیوان اروپایی دادگستری رسیدگی شد.^۱ دیوان در فرازی از رأی سال ۲۰۰۸ خود اعلام کرد که دستورالعمل تحریم و در لیست قرارگرفتن فرد و مؤسسه موردنظر در لیست تحریم‌های اتحادیه منبعت از قطعنامه مربوطه شورای امنیت است، اما این مسئله کاملاً به حقوق حاکم بر اتحادیه مربوط می‌شود و اقدامی نیست که به یکی از ارگان‌های ملل متحد قابل انتساب باشد یا عملی که به دلیل ارتباط با ملل متحد، در چارچوب صلاحیتی این نهاد قرار گیرد. دیوان اروپایی دادگستری به منزله نهادی که در یک جامعه مبتنی بر قانون پایه‌گذاری شده است موظف است به بررسی انطباق اقدامات اتخاذشده از سوی نهادهای اتحادیه با سند مؤسس جامعه بپردازد و این وظیفه دیوان در این مسیر «به‌عنوان یک نظام حقوقی مستقل»^۲ به واسطه توافقی بین‌المللی خدشه‌دار نخواهد شد. به همین جهت، بررسی مشروعیت اقدام انجام‌شده از سوی نهادهای اتحادیه «در چارچوب نظم حقوقی مستقل داخلی جامعه»^۳ بر عهده دیوان خواهد بود (Kadi & Al Barakaat, 2008: paras. 314-317).

در این خصوص باید خاطر نشان کرد که حتی دیوان اروپایی در قبال صلاحیت‌های انحصاری مشترک و تکمیلی یا حمایتی که میان اتحادیه و نهادهای آن از یک‌سو و دولت‌های عضو از سوی دیگر واگذار شده است، براساس تئوری «اختیارات ضمنی»^۴ نظریاتی را ارائه کرده است.^۵ مطابق مقررات حاکم بر اتحادیه از جمله معاهده مؤسس جامعه اروپایی و معاهده اتحادیه اروپا، نهاد مزبور در برخی زمینه‌ها از صلاحیت انحصاری^۶ و در برخی دیگر از حوزه‌ها از صلاحیت مشترک^۷ با دولت‌های عضو برخوردار است. در همین پرونده، دیوان اتحادیه موضوع موضوع منابع شیلات را یکی از حوزه‌های انحصاری داخل در صلاحیت خود قلمداد می‌کند. با

۲. برای مشاهده حقوق و وقایع جاری در دو پرونده ر.ک:

Case T-315/01, Yassin Abdullah Kadi v. Council and Commission, Judgement of the Court of 21 September 2005; Case T-306/01, Ahmed Ali Yusuf and Al Barakaat International Foundation v. Council and Commission, Judgement of the Court of 21 September 2005.

3. as an autonomous legal system.

4. in the context of the internal and autonomous legal order of the Community.

5. Implied Powers.

۶. تئوری مزبور بدین معناست که به فراخور نیاز و به مرور زمان، سازمان بین‌المللی می‌تواند بر مبنای موجود در

اساسنامه خویش دست به اقداماتی بزند که در سند مؤسس به‌صراحت ذکر نشده است، اما وجود چنین

صلاحیتی برای پیشبرد اهداف و اشتغالات سازمان ضروری است. نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

در قضیه جبران خسارات وارده به کارمندان ملل متحد چنین موضوعی را تصریح کرده و در نظر مشورتی

سال ۱۹۵۴ نیز مجدداً بر آن تأکید ورزیده است. برای مطالعه درخصوص تفسیرهای موسع و مضیق از اختیار

ضمنی و شرایط استناد بدان ر.ک: زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، مؤسسه مطالعات

و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۵۷-۵۵. همچنین:

ICJ Reports, 1949, 182; ICJ Reports, 1954, 56.

1. Exclusive competence.

2. Shared competence.

این حال، در همین حوزه نیز مبحث تحقیقات، توسعه فناوری و همکاری برای توسعه از جمله زمینه‌هایی است که اتحادیه و دولت‌های عضو در آن از صلاحیت اقدام مشترک برخوردارند. توضیح بیشتر اینکه براساس معاهده کارکردی اتحادیه اروپا،^۱ سه نوع صلاحیت در این اتحادیه وجود دارد. نخست، براساس ماده ۳ معاهده مذکور، قانون‌گذاری و اتخاذ اقدامات الزام‌آور در حیطه صلاحیت انحصاری اتحادیه است. تعیین سیاست‌های مشترک خارجی و امنیتی در این دسته جای می‌گیرند. دوم، مطابق ماده ۴ معاهده کارکرد، صلاحیت مشترک است که در این خصوص باید گفت دولت‌های عضو نیز حق اقدام در این دسته از اقدامات تعیین‌شده از سوی معاهده را بر عهده دارند مشروط بر اینکه خود اتحادیه درباره این دسته از اعمال، اقدامی به عمل نیاورده یا تصمیم به انجام چنین اقداماتی نداشته باشد. موضوعات مربوط به بازار داخلی و سیاست‌های اجتماعی در این دسته قرار دارند. سوم، نوع سوم صلاحیت براساس ماده ۶ معاهده کارکرد، صلاحیت حمایتی^۲ است که در این نوع صلاحیت، اتحادیه اروپا صرفاً از باب حمایت، هماهنگی یا تکمیل برخی اقدامات دولت‌های عضو وارد عمل می‌شود. با این حال، اتحادیه در این صورت قادر به قانون‌گذاری در خصوص مباحث دسته سوم نیست. از جمله این موضوعات می‌توان به حمایت و بهبود بهداشت انسانی، گردشگری، فرهنگ و صنعت اشاره کرد.^۳

برای مثال، دیوان در پرونده‌ای در ۹ جولای ۱۹۸۷، نوعی اختیارات ضمنی قانون‌گذاری را برای کمیسیون اروپایی در نظر گرفته است که براساس آن دولت‌های عضو ملزم‌اند تا در خصوص پیش‌نویس موافقت‌نامه‌ها و اقدامات اتخاذی احتمالی در زمینه اجتماعی با نهاد مزبور مشورت کنند (*Federal Republic of Germany and others v Commission of the European Communities - Migration policy - Competence of the Community*, 1987, (Joined cases 281, 283, 284, 285 and 287/85, para. 28).

همین رویه در خصوص موضوعات مربوط به انرژی *Spain v Council* [2001], paragraph 54 و در زمینه موضوع محیط‌زیست *ADBHU* [1985], paragraph 13, Case 302/86 *Commission v Denmark* [1988] para.8, *Outokumpu* [1998] para. 32; (*Commission of the European Communities v Council of the European Union*, para. 55) نیز مشاهده می‌شود.

۳. استقلال نظم حقوقی اتحادیه از منظر واکنش به نقض تعهد

دیوان در قضایای بعدی ابعاد دیگری از حقوق اتحادیه را در قالب نحوه پاسخگویی به نقض‌های صورت‌گرفته از سوی دولت یا دولت‌های زبان‌دیده در برابر دولت یا دولت‌های ناقض تعهد ناشی

3. Treaty on the Functioning of the EU (TFEU).

4. Supporting competence.

5. Division of competences within the European Union:

http://europa.eu/legislation_summaries/institutional_affairs/treaties/lisbon_treaty/ai0020_en.htm.

از اتحادیه چنین بیان می‌کند که هیچ دولتی نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی و با ابتکار خود اقدامات یک‌جانبه یا دسته‌جمعی را علیه دولت ناقض برای مجبور کردن وی به انجام تعهدات خود براساس معاهده جامع به کار بندد. چنین نگرشی را دیوان در رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ خود مدنظر قرار داده است و دولت‌های عضو را ملزم می‌داند تا به اقدامات پیش‌بینی‌شده خارج از چارچوب اتحادیه اروپا متوسل نشوند (Commission of the European Communities v (French Republic, 1979: para. 9).

درواقع، دیوان با این دیدگاه ویژگی اصلی ماده ۵۵ طرح مواد را یادآور می‌شود که براساس آن گاهی اجرای مقررات عام حقوق بین‌الملل در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت به‌واسطه مقررات یک رژیم خاص تحت تأثیر قرار می‌گیرد و قابلیت اجرای خود را در وهله اول از دست می‌دهد. در سطور بعد به این نکته خواهیم پرداخت.

بنابراین، همان‌گونه که از رویه قضایی اتحادیه اروپا برمی‌آید، توجه دیوان اروپایی دادگستری به مفهوم نظم حقوقی ایجادشده درون اتحادیه اروپاست که چه به لحاظ ساختاری، چه از نظر توجه به مبادی صلاحیت در وادی توزیع صلاحیت میان اعضا و اتحادیه و چه به لحاظ اقدامات قانونی در خصوص مقابله با نقض دولت یا دولت‌های ناقض مقررات اتحادیه مطمح نظر قرار گرفته است.

رژیم خاص اتحادیه اروپا

کمیسیون حقوق بین‌الملل در «طرح مواد پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت برای اعمال متخلفانه بین‌المللی» در ماده ۵۵ خود چنین بیان می‌دارد:

«این مواد در جایی که و تاحدی که شرایط برای وجود یک عمل متخلفانه بین‌المللی یا محتوا و یا اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت تحت قواعد خاص حقوق بین‌الملل باشد، اعمال نمی‌گردد». ماده مزبور در بخش چهارم طرح مواد مربوط به مسئولیت دولت قرار گرفته که بر تمام مقررات طرح مزبور به طور کلی اعمال می‌شود (Draft articles on Responsibility of States, Art. 55, Commentary. 6). این موضوع از منطوق خود ماده نیز قابل برداشت است.

در گزارش چندپارگی حقوق بین‌الملل از این مقرر بدین‌عنوان یاد شده است: «مقرره‌ای که اولویت هنجاری را برای هرگونه قواعد خاص در چارچوب زمینه اجرایی خود ایجاد می‌کند». در واقع، در این مقرر به «تجویز دولت‌ها جهت توسعه، اجرا و تخصیص زدن قواعد عام حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت به‌وسیله موافقت‌نامه‌های میان خودشان اشاره دارد» (Fragmentation Report, 2006: para. 65).

۱. تعارضات ممکن میان قواعد در حقوق بین‌الملل

کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش سال ۲۰۰۶ خود در خصوص چندپارگی حقوق بین‌الملل به موضوع کلی تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل به لحاظ گستره قاعده یا اطراف آن یعنی عام و خاص بودن قاعده و ارتباط این‌گونه قواعد در تقابل با یکدیگر اشاره می‌کند. مطابق نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل سه تعارض میان حقوق عام و خاص قابل تصور است؛ تعارض میان حقوق عام و خاص در تفسیر حقوق عام مانند معیار کنترل مؤثر و کلی به ترتیب در دو قضیه نیکاراگوئه و تادیچ. در قضیه تادیچ دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق آستانه بالاتر کنترل کلی را برای انتساب عمل متخلفانه به یک دولت در سازماندهی، هماهنگی و طراحی اقدامات نظامی شورشیان و گروه‌های شبه‌نظامی به کار بست تا بتواند مسئولیت کیفری افراد را از منظر مخاصمه مسلحانه بین‌المللی مدنظر قرار دهد.^۱

در حالت دوم کمیسیون فرضی را متصور می‌شود که حقوق خاص به‌منزله استثنایی بر حقوق عام ظهور می‌کند. از مصادیق این حالت آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در قضایای بیلوس علیه سوئیس در سال ۱۹۸۸ (Belilos v. Switzerland, 1988: para. 60) و لویزیدو علیه ترکیه در سال ۱۹۹۵ (Loizidou v. Turkey, Preliminary Objections, 1995: para. 67) است که دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی لویزیدو بیان می‌دارد:

«تفاوت بنیادین در نقش و هدف محاکم ذی‌ربط [یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر]، مبانی قانع‌کننده‌ای برای تمایز میان رویه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی [۱۹۵۰] و رویه حاکم در دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد اعمال رویه‌ای از پذیرش غیرمشروط را به دست می‌دهد.»

۱. در واقع این معیار خود را نه به‌منزله استثنایی بر حقوق عام یعنی معیار کنترل مؤثر، بلکه به‌منزله رژیم خاص حاکم بر مخاصمه حاکم در یوگسلاوی و جانشین معیار کنترل مؤثر قلمداد می‌کرد. در واقع این‌گونه تفاسیر دوگانه از حقوق عام به خدشه‌دار شدن وحدت نظام حقوق بین‌المللی منجر خواهد شد، زیرا «امنیت حقوقی» را در این نظام کاهش می‌دهد و سبب می‌شود تابعان حقوقی نتوانند واکنش‌های نهادهای رسمی را در خصوص رفتار و در نتیجه فعالیت خودشان پیش‌بینی کنند. از طرف دیگر، تابعان حقوقی نظام بین‌المللی در یک وضعیت نابرابر در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. طبیعی است که امکان تعارض در تفاسیر از حقوق عام از سوی نهادهای ذی‌صلاح در هر نظام حقوقی قابل تصور است، اما در حقوق داخلی به دلیل وجود نهادهای نظارتی چون دیوان عالی کشور، وحدت و انسجام حقوقی حفظ خواهد شد. امری که در نظام حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان چنان اقتداراتی موجب تشتت در آرای قضایی محاکم بین‌المللی می‌شود و از این رو هر دولت باید حقوق جدیدی را بپذیرد تا تعارض موجود را حل کند یا نهادهای ذی‌صلاح تفسیر قواعد، رویه خود را در آینده هماهنگ کنند. به هر حال کمیسیون بحث از این نوع تعارض را خارج از شمول بررسی خود قرار داده است. دلیل آن نیز فضای سازمانی پیچیده‌ای است که بر نهادهای بین‌المللی حاکم است. ر.ک: Fragmentation Report, 2006: paras. 46-52

دسته سوم از تعارضات میان دو نوع حقوق خاص است که پیچیدگی بیشتری را به وجود می‌آورد. برای مثال، در رأی سال ۱۹۹۸ در قضیه هورمون‌های گوشت گاو، نهاد استیناف سازمان جهانی تجارت وضعیت موسوم به «اصل احتیاط»^۱ را مطابق معاهدات تحت پوشش سازمان مزبور در نظر گرفت. نهاد استیناف اظهار داشت که هر جا وضعیت اصل احتیاط مطابق حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باشد، اصل مزبور برای سازمان لازم‌الاجرا نیست. این رهیافت نشان داد که حقوق محیط‌زیست و حقوق تجارت می‌توانند تحت سیطره اصول متفاوتی قرار گیرند. اینکه کدام قاعده اعمال خواهد شد، به این امر بستگی دارد که چگونه یک قضیه در این زمینه مدنظر قرار خواهد گرفت؟ ضمن اینکه دو شاخه حقوق تجارت و محیط‌زیست مرزهای مشخصی ندارند (Fragmentation Report, 2006: para. 54).

۲. برآمد: اثر رژیم خاص اتحادیه اروپا (وحدت در عین کثرت بیرونی و درونی)

برخی حقوق دانان خدشه‌دار شدن وحدت نظام حقوق بین‌الملل را در اثر وجود رژیم‌های خاص مانند اتحادیه اروپا یادآور شده‌اند و آن را خطر جدی پیش‌روی حقوق بین‌الملل معاصر می‌دانند. از سوی دیگر، بسیاری از حقوق دانان بر خلاف دسته اول، بر این باورند که در این زمینه اغراق شده است و با راهکارهایی که حقوق بین‌الملل با ابزارهای خود به‌خصوص اصول و تکنیک‌های مندرج در کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و هماهنگی میان رویه قضایی نهادهای قضایی رژیم‌های خودسامان مورد ادعا ارائه داده است، می‌توان به حل تعارضات هنجاری و سازمانی حال و آینده امیدوار بود (Higgins, 2006: 7).

از این رو، هستی تکثر در حقوق بین‌الملل و تجلی بارز آن با ظهور رژیم‌های خودسامان نویدبخش پویایی حقوق بین‌الملل در چارچوب «وحدت در عین کثرت»^۲ است. این وجه را می‌توان وجه بیرونی وحدت در عین کثرت در گستره نظم حقوقی بین‌الملل نامید.

چنین پویایی و تعبیر وحدت در عین کثرت را می‌توان در چارچوب اتحادیه اروپا و در یک بعد وسیع‌تر، همان‌گونه که در سطر بالا بدان اشاره شد، در پهنه حقوق بین‌الملل مشاهده کرد. همان‌گونه که گفته شد، اعضای اولیه جامعه اروپایی به دنبال تحکیم روابط دوستانه میان دولت‌های اروپایی از طریق ایجاد پیمانی اقتصادی با نگاه به افزایش سطح رفاه شهروندان جامعه بودند و بعدها این ایده به ایجاد اروپایی متحد و واحد تبدیل شد. اتحادی که در اوایل دهه نود به چنین نامی مسمی شد و به‌منظور تحقق این اندیشه، طرح قانون اساسی اتحادیه را مطرح

1. Precautionary Principle.
2. Unity in Diversity.

کرد که در دهه اول هزاره سوم با شکست مواجه شد، اما راهی است که با توجه به تجربیات موفقیت‌آمیز اتحادیه در سال‌های گذشته، هدفی دور از دسترس نیست؛ هدفی که در جامعه تبعیت همه نظم‌های حقوقی داخلی در قالب دولتی فدرال‌گونه همانند ایالات متحده آمریکا جلوه‌گر خواهد شد. به‌واقع، اتحادیه اروپا با وجود نظم‌های حقوقی گوناگون درون خود به دنبال یکپارچه‌سازی و هماهنگی همه سنت‌های حقوقی دول عضو خود در ارزش‌های عام و مقبول فرهنگ و حقوق اروپایی است.^۱

اما آنچه تداعی‌کننده ایده وحدت در عین کثرت در حقوق بین‌الملل می‌شود، زمینه تقریباً مشابهی با نهادهایی چون اتحادیه اروپا دارد. در فضایی که رژیم‌های خاصی چون معاهدات حقوق بشری، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق سازمان جهانی تجارت و نمونه کامل آن حقوق اتحادیه اروپا وارد امور مربوطه بین‌المللی می‌شوند، خاستگاه، ویژگی‌ها و چارچوب و ساختار ایجاد آن‌ها متأثر از ملاک‌ها و مناط‌های حقوقی بین‌المللی است، زیرا این رژیم‌ها در فضای حقوق معاهدات متولد می‌شوند، در بستر حقوق عرفی عام یا خاص و نظریه کارکرد و اشتغال سازمانی به گسترش و بالندگی می‌رسند و در زمینه حقوق مربوط به تفسیر همچنان وامدار عناصر تفسیری حقوق بین‌الملل مندرج در مواد ۳۰ تا ۳۳ کنوانسیون حقوق معاهدات وین هستند که به عرف بین‌المللی تبدیل شده است. ضمن اینکه ملاحظات بشری و زیست‌محیطی همواره در تحلیل‌های حقوقی نهادهای قضایی این رژیم‌ها مطرح‌نظر قرار گرفته و گاه تعهداتی را خارج از منظومه رژیم خودبسندگی یا خاص مزبور بر اعضا تحمیل کرده است یا وارد مجموعه حقوق مزبور می‌کند.

نکته مهم دیگر در این خصوص اینکه اعضای رژیم‌های خاص مزبور، همواره در حال داد و ستد سیاسی و تعامل با دیگر اعضای جامعه بین‌المللی در قالب حقوق بین‌الملل خاص یا عام هستند و نمی‌توان اجرا و تفسیر تعهدات موجود در این بخش را به‌گونه‌ای مدنظر قرار داد که آثاری در دیگر تعهدات ناشی از رژیم‌های خاص نداشته باشد. از این رو، باید چنین گفت که زمینه وحدت در نظم حقوقی بین‌المللی، همچون رشته‌ای است که از درون مفاهیم بنیادین و

۱. با این حال، برخی آرای صادره از محاکم داخلی دولت‌های عضو در سال‌های اخیر مانند (Decision of 30 June 2009 2 BvE 2/08, 5/08, 2 BvR 1010/08, 1022/08, 1259/08, 182/09) نشانی از این موضوع دارند که هنوز مقاومت‌هایی درخصوص اتحاد و وحدت حقوقی حقوق حاکم بر دولت‌های عضو جامعه وجود دارد. در این خصوص رک:

Dieter Grimm, Comments on the German Constitutional Court's Decision on the Lisbon Treaty: Defending Sovereign Statehood against Transforming the European Union into a State, *European Constitutional Law Review*, 5, 2009: 353-373; René Barents, The Precedence of EU Law from the Perspective of Constitutional Pluralism, *European Constitutional Law Review*, 5, 2009: 421-446; Adam Azowski, Constitutional Tribunal on the Preliminary Ruling Procedure and the Division of Competences Between National Courts and the Court of Justice Order of 19 December 2006, *European Constitutional Law Review*, 4, 2008: 187-197.

پایه‌گذار رژیم‌های مزبور گذشته و موجب اتصال و پیوستگی آن‌ها در فضای روابط بین‌الملل و از منظر حقوقی، نظم حقوقی بین‌المللی شده است. بنابراین، گاه ممکن است اقدامی در یک رژیم خاص به مخاطره‌افتادن صلح و امنیت بین‌المللی منجر شود یا مفاهیم بنیادین حقوق بشر را خدشه‌دار کند که در این صورت نیز، ارزش‌های محوری نظم حقوقی بین‌المللی در عرصه اثرگذاری در رژیم‌های خاص خودنمایی می‌کنند. بنابراین، نوعی وحدت در خاستگاه و عملکرد مبتنی بر پاسداشت ارزش‌های حقوقی بین‌المللی را در عرصه نظام حقوق بین‌الملل مشاهده می‌کنیم.

در عین حال باید این نکته را نیز خاطرنشان کرد که رژیم‌های خاص مزبور مانند اتحادیه اروپا به منزله خرده‌نظام‌های حقوقی شناخته می‌شوند که پس از بهره‌گیری از مفاهیم حقوق بین‌الملل در پیدایش و تکامل خویش، چارچوب‌های معین و مشخصی را فارغ از معیارهای حقوق بین‌الملل مدنظر دارند. برای مثال، در صورت نقض مقررره از مقررات حاکم بر آن خرده‌نظام حقوقی، اجازه توسل به امکانات پیش‌بینی شده در حقوق بین‌الملل عام بدان‌ها داده نمی‌شود. چنین رویکردی را می‌توان در رژیم حقوقی سازمان جهانی تجارت نیز مشاهده کرد.^۱ بر همین اساس، می‌توان کثرت و زاینده‌گی نظم‌های حقوقی بین‌المللی جدید را با تعیین ملاک‌های خاص خویش با توجه به موضوع و هدف تشکیل آن‌ها در گستره نظم حقوقی بین‌المللی مشاهده کرد که همچنان که گفته شد، ضامن پیشرفت و توسعه حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شوند، زیرا مفاهیم برساخته خود را به مرور زمان درون نظم حقوقی بین‌الملل وارد می‌کنند و با توجه به ویژگی‌های نظام حقوقی بین‌المللی که فاقد اقتدارات عالییه در اجرا و سلسله‌مراتب در منابع بود، به دنبال انتقال تجربیات خویش به طور آگاهانه یا ناخودآگاه هستند. چنان‌که یکی از حقوق‌دانان در تعبیری جالب بدین‌نکته اشاره داشته است. «حقوق بین‌الملل با به‌هم‌پیوستگی و قالب‌ریزی حافظه تاریخی در صورت‌های نوین و گاهی اوقات با فراموش کردن سرچشمه‌های خود، به سوی آینده حرکت می‌کند» (Crawford, 2010: 22).

۱. ماده ۲۳ تفاهم‌نامه حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، ذیل عنوان «تقویت نظام چندجانبه» اشعار می‌دارد: «هنگامی که اعضا درصدد جبران نقض تعهدات و یا سایر موارد از میان رفتن یا لطمه به منافع پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا رفع مانعی بر سر راه دستیابی به هر یک از هدف‌های موافقت‌نامه‌های تحت پوشش برمی‌آیند، باید به قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه متوسل شوند و از آن‌ها تبعیت نمایند». از این ماده می‌توان دو برداشت مهم انجام داد: اول اینکه، در صورت بروز اختلاف میان اعضا، حل‌وفصل اختلاف در سازوکار سازمان جهانی تجارت امری اجباری است و دیگر اینکه، دولت‌های عضو حق ندارند در صورت درخواست جبران نقض صورت‌گرفته، به هر اقدامی متوسل شوند و خارج از چارچوب مقررات تفاهم‌نامه اختلافات را حل‌وفصل کنند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: عابدینی، عبدالله (۱۳۸۹). «سازمان جهانی تجارت به‌عنوان رژیم خودبسنده در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. کدخدایی، عباس (۱۳۸۰). *ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. _____ (۱۳۸۰). «نگرشی به ساختار دیوان دادگستری اروپایی و نقش آن در روند همبستگی اتحادیه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۵۱.
۴. _____ (۱۳۸۲). «قانون اساسی اتحادیه اروپایی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره بیست و نهم.
۵. ویرالی، میشل (۱۳۶۴). «تفکری بر تئوری حقوق فراملی»، ترجمه ناصر صبح‌خیز، *مجله حقوقی*، شماره ۳.

ب) انگلیسی

- Books

6. Chalmers, Damian & Adam Tomkins (2007). *European Union Law: Text and Materials*, Cambridge University Press.
7. Fassbender, Bardo (2009). *The United Nations Charter As the Constitution of the International Community*, MartinusNijhoff Publishers.
8. Tillotson, John & Nigel Foster (2003). *Text, cases and Materials on European Union Law*, 4thed, Cavendish Publishing.

- Article

9. Barents, René (2009). "The Precedence of EU Law from the Perspective of Constitutional Pluralism", *European Constitutional Law Review*, 5.
10. Crawford, James (2009). "Continuity and Discontinuity in International Dispute Settlement: An Inaugural Lecture", *Journal of International Dispute Settlement*, Vol. 1.
11. Dupuy, Pierre-Marie (1999). "The Danger of Fragmentation or Unification of the International Legal System and the International Court of Justice", *New York University Journal of International Law & Politics*, Vol. 31.
12. Frahm, Karin O. (2001). "Multiplication of International Courts and Tribunals and Conflicting Jurisdiction", *Max Planck Yearbook of United Nation Law*, Vol. 5.
13. Grimm, Dieter (2009). "Comments on the German Constitutional Court's

- Decision on the Lisbon Treaty: Defending Sovereign Statehood against Transforming the European Union into a State", *European Constitutional Law Review*, 5.
14. Higgins, Rosalyn (2006). "A Babel of Judicial Voices? Ruminations from the Bench", *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 55.
 15. Lamy, Pascal (2006). "The Place of the WTO and its Law in International Legal Order", *European Journal of International Law*, Vol. 17.
 16. Lazowski, Adam (2008). "Constitutional Tribunal on the Preliminary Ruling Procedure and the Division of Competences Between National Courts and the Court of Justice Order of 19 December 2006", *European Constitutional Law Review*, 4.
 17. O'Connell, Mary Ellen (2005). "Controlling Countermeasures", in, *International Responsibility Today, Essays in Memory of Oscar Schachter*, Maurizio Ragazzi (ed), MartinusNijhoff Publishers.
 18. Shelton, Dina, (2006). "Normative Hierarchy in International Law", *American Journal of International Law*, Vol. 100.
 19. Shermers, Henry G. (1980). "Application of International Law by Court of Justice of the European Communities", *Essays on the Development of the International Legal Order: In Memory of Jankheer Haro Frederik*, H. F. van Panhuys, Pieter Jan Kuyper (ed), MartinusNijhoff Publishers.
 20. Sicilianos, L. A. (2010). "Countermeasures in Response to Grave Violations of Obligations Owed to the International Community", in, J. Crawford, A. Pellet & S. Olleson (eds), *The Law of International Responsibility* Oxford: Oxford University Press, 2011.
 21. Simma, Bruno and Dirk Pulkowski (2006). "Of Planets and the Universe: Self-contained Regimes in International Law", *European Journal of International Law*, Vol. 17.
 22. Simma, Bruno (2009). "Universality of International Law from the Perspective of a Practitioner", *European Journal of International Law*, Vol. 20.
 23. Sorensen, Max (1983). "Autonomous Legal Orders: Some Consideration Relating to a System Analysis of International Organizations in The World Legal Order", *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. 32.
 24. Tomuschat, Christian (2009). "The Kadi Case: What Relationship is there between the Universal Legal Order under the Auspices of the United Nations and the EU Legal Order?", *Year book of European Law*, Vol. 28.
 25. Wessel, Ramses A. (2009). "The Dynamics of the European Union Legal Order: An Increasingly Coherent Framework of Action and Interpretation", *European Constitutional Law Review*, Vol. 5.
 26. Ziegler, Katja S. (2011). "International Law and EU Law: between Asymmetric Constitutionalisation and Fragmentation", In, *Research Handbook on the Theory and History of International Law*, Alexander Orakhelashvili (ed), Edward Elgar Publishing.
 27. Zumbansen, Peer (2006). "Transnational Law", In: Jan Smits (ed.), *Encyclopedia of Comparative Law*, Edward Elgar Publishing.
- Cases**
28. Accordance with International Law of Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo, Advisory Opinion, 2010.
 29. Appeal Relating to the Jurisdiction of the ICAO Council (India v. Pakistan), Judgment, I.C.J. Reports 1972.

30. *Belilos v. Switzerland*, Judgment of 29 April 1988, ECHR Series A (1988) No. 132.
31. Case 240/83 *ADBHU* [1985] ECR 531.
32. Case 294/83 *Les Verts v. Parliament*, [1986] ECR 1339.
33. Case 302/86 *Commission v Denmark* [1988] ECR 4607.
34. Case 314/85 *Foto-Frost* [1987] ECR 4199.
35. Case C-176/03, *Commission of the European Communities v Council of the European Union*.
36. Case C-2/88 *Imm. Zwartfeld and Others* [1990] ECR I-3365.
37. Case C-213/96 *Outokumpu* [1998] ECR I-1777.
38. Case C-36/98 *Spain v Council* [2001] ECR I-779.
39. Case C-459/03. *Commission of the European Communities. v. Ireland*, 30 May 2006.
40. Case T-315/01, *Yassin Abdullah Kadi v. Council and Commission*, Judgement of the Court of 21 September 2005; Case T-306/01, *Ahmed Ali Yusuf and Al Barakaat International Foundation v. Council and Commission*, Judgement of the Court of 21 September 2005.
41. *Commission of the European Communities v French Republic*, Case 232/78, Judgment of the Court of 25 September 1979.
42. *Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal*, ICJ Reports, 1954.
43. *Federal Republic of Germany and others v Commission of the European Communities- Migration policy - Competence of the Community*, 1987, Joined cases 281, 283, 284, 285 and 287/85.
44. *Flaminio Costa v E.N.E.L*, Case 6/64, Judgment of the Court of 15 July 1964.
45. *Joined Cases C-402/05 P and C-415/05 P*, 3 September 2008.
46. *Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening)*, Judgment of 3 February 2012.
47. *Kadi II v Commission*, 30 September 2010.
48. *Korea - Measures Affecting Government Procurement* (19 January 2000) WT/DS163/R.
49. *Loizidou v. Turkey*, Preliminary Objections, Judgment of 23 March 1995, ECHR Series A (1995) No. 310.
50. *Opinion 1/91* [1991] ECR I-6079, Opinion of the Court of 14 December 1991, Opinion delivered pursuant to the second subparagraph of Article 228 (1) of the Treaty - Draft agreement between the Community, on the one hand, and the countries of the European Free Trade Association, on the other, relating to the creation of the European Economic Area.
51. *Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations*, ICJ Reports, 1949.
52. *United States-Anti Damping of Act 1916*, WT/DS136/AB/R, 2000.
53. *Van Gend & Loos v Netherlands Inland Revenue Administration*, Case 26-62, Judgment of the Court of 5 February 1963.
54. *Yassin Abdullah Kadi and Al Barakaat International Foundation v. Council of the European Union and Commission of the European Communities*, Grand Chamber, 3 September 2008.
55. *Yvonne van Duyn v Home Office*, Case 41-74, 4 December 1974.

- Cases

56. Consolidated versions of the Treaty on European Union and the Treaty on the Functioning of the European Union, Official Journal C 83 of 30.3.2010.
57. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001, Yearbook of the International Law Commission, 2001, Vol. II, Part Two.
58. Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Report of the Study Group of the International Law Commission: Finalized by Martti Koskenniemi, A/CN.4/L.682 13 April 2006.
59. Responsibility of International Organizations, Report of International Law Commission, 2009.
60. Treaty Establishing the European Community (Consolidated version 1997), Official Journal C 340 of 10 November 1997.
61. Treaty on European Union (consolidated text), Official Journal C 325 of 24 December 2002.

- Internet Source

62. <http://europa.eu>.
63. <http://www.coe.int>.
64. www.treaties.un.org.

Archive of SID